

نگاهی کوتاه به زینت و خودآرایی

از منظر آیات و روایات

فرزانه فخرایی / دکتر حسن اسلامپور کریمی

کارشناسی ارشد الهیات از دانشکده اصول‌الدین تهران / استادیار دانشگاه باقرالعلوم

چکیده

از جمله مباحث مبتلابه امروز، زینت‌کردن و خودآرایی است. حسن و زیبایی بسیار را جمال گویند. آنچه ارزشمند است و بر ارزش انسان می‌افزاید، زینت است. زیباجویی از فطریات الهی بشر است. فلاسفه یونان جهان را در نهایت حسن و ارزش دیده‌اند و به آن قوسموس (cosmos، آراستگی) گفته‌اند.

خالق هستی، به انسان غریزه زیباطلبی بخشیده است و لباس را زیباکننده جسم او قرار داده است. وجود زیبایی، کشش‌آفرین و بیدارکننده روح بندگی است و ایمان، مزین مؤمنان است و عبادالله، جمال را در وصال یار می‌بینند. در دین اسلام بر کسب حسن خلق تأکید شده و داشتن ظاهر آراسته، شکر منعم و دستور اوست.

خردمندان با خودآرایی بجا، حضور در اجتماعات مذهبی و دیدار مؤمنان، بیشترین جمال را به دست می‌آورند. آنان هدف از برگرفتن آرایه را، آینه فیض الهی شدن و رسیدن به قرب الهی می‌دانند. زنان عاقل با وجود غریزه دگرخواهی و میل به خودنمایی، از تبرّج و در نتیجه تباه کردن خویش و جامعه پرهیز دارند. عاطفه، گفتار و رفتار ایشان، تمثیل عینی خرد است. ابلیس با برانگیختن احساسات درونی بشر، زشتی‌ها را زیبا جلوه می‌دهد؛ وسوسه می‌کند تا آدمی را به طغیان بکشاند و در جهنم بیفکند؛ اما با محبت اهل بیت ۵۰٪ می‌توان ابلیس را رجم کرد. نعمت جمال، بر اثر دروغجویی و تکبر و خودنمایی متجاوزانه، از بین می‌رود.

کلیدواژه‌ها: جمال، زینت، زینت ظاهری و باطنی، آراستن ممدوح و مذموم، ابراز

جمال، نابودکننده جمال.

مقدمه

در خلقت و طبیعت هر انسانی، کمال‌خواهی به ودیعت نهاده شده است. زیبایی و جمال جزئی از کمالات است و زیباجویی و جمال‌دوستی از جمله چیزهایی است که در سرشت آدمی تعبیه شده است. به گفته استاد مطهری: «گرایش انسان به زیبایی و جمال یکی از خواسته‌های فطری انسان است و احساس لذت از زیبایی و تناسب و پاکیزگی‌ها، با سرشت انسان آمیخته شده است.» (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۸۰) این خوی در افرادی که به جوانی می‌رسند بیشتر تجلی می‌کند؛ زیرا ایشان در دوره‌ای قرار دارند که زیبایی طبیعی به اوج خود می‌رسد، این امر جسمانی روح آنها را به خویش مشغول کرده و یکی از سرگرمی‌های جوان، رسیدگی کردن و افزودن به زیبایی جسمانی‌اش است. پیامبر اکرم [ؐ] هدف از بعثت خویش را تمام کردن فضیلت‌های اخلاقی اعلام فرمود: «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» (مجلسی؛ ۱۴۰۴ق، ج ۶۷، ص ۳۷۲) و دین اسلام به تمام نیازهای مادی و روحانی افراد به نحو آتم پرداخته و هیچ یک از زوایای وجودی انسان‌ها را معطل نگذاشته است. این میل را چگونه باید پاسخ داد و آیا در آیات قرآن کریم و روایات اهل‌بیت ۱۰۰٪ در این زمینه، دستوری داریم؟ این مقاله بر آن است که این موضوع را اندکی بررسی کرده تا با افزایش آگاهی‌ها - به توفیق الهی - انجام حسنات رواج بیشتری یابد. در ابتدا با کلمه زینت و جمال آشنا شده و سپس زیبایی در آفرینش شامل زیبایی ظاهری، در طبیعت، کار و عمل و لباس زینتی بیان می‌شود. بعد به زینت‌های باطنی، ایمان، عقل و روش پرورش آن اشاره می‌شود و در قسمت بعد جمال‌طلبی انسان، هدفمندی در آراستن، وظیفه صاحب جمال، تزئین شیطانی، و در انتها آفت جمال بیان می‌شود.

زینت و جمال از نظر لغوی

زیبایی همان خوبی و نیکویی است؛ حسن و جمال و ظرافت و لطافت و برازندگی است.

حالت و کیفیت زیبا عبارت است از نظم و هماهنگی و پاکی که در شیئی وجود دارد و عقل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط پدید آورد و امری نسبی است (دهخدا، ۱۳۳۰، ذیل کلمه زیبا). زیبایی را می‌توان به زیبایی ظاهری و باطنی، مادی و غیرمادی، طبیعی و ساختگی و انواع دیگری تقسیم کرد.

جمال به معنی حسن و زیبایی بسیار است. جمال آن است که موجودی دارای تناسب و اعتدال در اعضا باشد (قرشی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۵۲/المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۲) دهخدا می‌نویسد: جمال یعنی خوب صورت و نیکو سیرت گردیدن و اقرب الموارد جمال را زیبا بودن گفته است. (دهخدا، ۱۳۳۰، ذیل کلمه جمال) جمال بر دو نوع است: یکی آنکه در نفس انسان است یا در بدنش یا در افعال و رفتارش می‌باشد و نوع دیگر جمال، آن خوبی است که انسان به دیگری می‌رساند. زینت آن است که به خودی خود ارزشمند است و ما آن را به خود می‌بندیم تا ارزش پیداکنیم و بر سه نوع است: زینت باطنی مانند علم و اعتقادات صحیح، زینت بدنی مثل نیرومندی و زینت خارجی مانند زیورآلات، مال و وسائل زندگی (قرشی، [بی‌تا]، ج ۲، ص ۱۹۶/المفردات فی غریب القرآن، ۱۴۱۲ق، ص ۳۸۹). «حقیقت زینت، عبارت است از نیکویی در ظاهر هر چیز، خواه عرضی یا ذاتی باشد. پس زینت در زن هر آن چیزی است که از زیبایی‌ها و نیکویی‌هایش آشکار می‌شود.» (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۴، ص ۳۷۵). پس می‌توان چنین استنباط کرد که: حسن و لطافت و کیفیت منظم چیزی که باعث تحریک تمایلات عالی انسانی شود و امری نسبی بوده، زیبایی است و جمال تناسب اعضا و اعتدال آنها است و زینت هر چیز ارزشمندی است که ما برای افزایش ارزش به خود می‌بندیم و زینت زن هر چه از زیبایی‌های او که آشکار شود، می‌باشد.

زیبایی و زینت در آفرینش

همه موجودات مخلوق خداوند تبارک و تعالی هستند: «الله خالق کل شیء» (زمر: ۶۲) خداست که همه چیز را پدیدآورده است و هر چه را خداوند آفرید در نهایت زیبایی و آراستگی خلق کرد: «الذی أحسن کل شیء خلقه» (سجده: ۷) خدا همان کسی است که هر چیزی را که آفرید، نیکو آفرید. خدای سبحان از خلقت انسان به عظمت و نیکی یاد می‌کند؛ ولی انسانیت او را به جنبه مادی او نمی‌داند چون این جسم را حیوانات هم دارند از قرآن کریم چنین استنباط می‌شود که خدای انسان‌آفرین آدمی را زنده‌ای خداخواه که خدا شناسی فطری اوست، آفرید. هر چند بسیاری حیات الهی خویش را زیر خاک‌های تیره و ظلمانی جهل و عصیان مدفون کرده و فطرت پاک خویش را در قالب نامقدس بردگی خویشتن و سرسپردگی به امیال طواغیت و شیاطین زنده به گور کرده‌اند. انسان در نهایت زیبایی آفریده شد او تنها موجودی است که خداوند بر خلقتش خویش را ستود و فرمود: «فتبارک الله احسن الخالقین» (مؤمنون: ۱۴) و برای بهره‌مندی او همه چیز را آفرید؛ «هو الذی خلق لکم ما فی الارض جمیعاً» (بقره: ۲۸). زینت نیز از جمله مخلوقات الهی است که برای بندگانش خلق فرموده: «قل من حرم زینة الله الّتی أخرج لعباده و الطّیبات من الرّزق» (اعراف: ۳۲) بگو زیورهایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام کرده است؟ در این آیه خداوند زینت را به خود نسبت می‌دهد «زینة الله» و آن را پدیده‌ای الهی معرفی کرده و آن را برای انسان حلال اعلام می‌کند. اضافه کلمه زینت به الله از نظر ادبی اضافه تشریفی است و آیه شریفه در قالب انکاری با کسانی که در عمل یا عقیده بدون فرمانبرداری از شارع و از پیش خود استفاده از زینت‌ها را ممنوع دانسته، خود را از آنها محروم می‌کنند، مخالفت می‌فرماید.

زیبایی و زینت ظاهری

الف) زیبایی در طبیعت

آفریدگار موجودات همه چیز را دارای تناسب اعضاء و زیبایی ابداع کرد و این زیبایی آفرینی تنها مخصوص انسان نیست. زمین زینتی دارد: «انا جعلنا ما علی الارض زینة لها» (کهف: ۷) مائیم (خداوند) که آنچه روی زمین است را زینت آن قرار دادیم. تمامی آنچه روی زمین است زینت برای زمین می‌باشد و آسمان‌ها نیز آرایش ویژه خویش را دارند: «انا زینا السماء الدنیا بزینة الکواکب» (صافات: ۶) مائیم (خداوند) که آسمان دنیا را به وجود ستارگان آراستیم. ستارگان برای آسمان زینت‌اند و برای ما تزئین «و زینناها للناظرین» اختران زینت دهنده آسمان برای انسان جلوه‌گری می‌کنند و دیدگان او از آنها لذت می‌برد؛ اما زینت انسان ایمان است: «حبیب الیکم الایمان و زینه فی قلوبکم»

امام جعفر صادق **†** خطاب به مفضل فرمودند: «بدان که نام این جهان در نزد یونانیان قوسموس (cosmos) است؛ این کلمه به معنی آراستگی است، کسانی که دعوی فلسفه و حکمت دارند نامش را این گونه نهاده‌اند، آیا این نام‌گذاری جز برای آن است که در آن حساب و کتاب دقیق و نظم و حکمت را دیدند و راضی به اینها نشدند و در نهایت جهان هستی را آراستگی و زینت نام نهادند تا بگویند که با تمام استواری و حکمتی که در آن نهفته، در نهایت حسن و بهاء و زیبایی نیز هست» (مجلسی، ۱۳۸۵، ص ۱۷۶).

ب) زیبایی کار و عمل

یکی از غرایز آدمی زیباطلبی است، او دوست می‌دارد که هر کار زیبا بوده و تمام جوانب آن از حسن شایسته برخوردار باشد. ترغیب به کار جمیل و نیکو در کلام قرآن و عترت مشهود است: «ولکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون» (نمل: ۶) در کیفیت بازگشت شبانگاهی گوسفندان از چرا و نیز در نحوه رها کردن آنها در

بامدادان به سوی چراگاه، برای شما زیبایی است. چوپانی یکی از کارهای سخت و پرزحمت است و در عین حال بسیار لازم و ضروری است و ادامه حیات بشر به آن وابسته است. زیبایی چشم‌نواز حرکت گله این کار مشکل را برای افراد بشر آسان می‌کند. «آفریننده انسان و ایجادکننده غریزه‌ها در جان او همان آفریننده چهارپایان و انعام است، او که آسمان و زمین را بر حق استوار ساخته است غریزه زیباخواهی انسان را از طریق این چهارپایان سیراب می‌سازد. بشر ابعاد گوناگون انعام را در معرض بهره‌برداری خود قرار می‌دهد و آنها را برای رسیدن به اهداف مادی خویش به خدمت می‌گیرد، منظره چهارپایان در آن هنگام که مقارن با رسیدن شب از چراگاه‌ها باز می‌گردند تا به خوابگاه‌ها برای استراحت کردن روانه شوند، منظره‌ای است که چشم را از بهجت و قلب را از سرور آکنده می‌سازد و همه ابعاد نفس بشری را که خواستار بازگشت به مادر طبیعت خویش است، سیراب و خرسند می‌سازد به همان گونه که در موقع بیرون آمدن از خوابگاه‌ها و روانه شدن به چراگاه‌ها مایه شادی و خوشی صاحبان خود را فراهم می‌آورند و جمال و زیبایی دیدارشان در آن هنگام پیدا می‌شود» (مدرسی، ۱۴۱۹ق، ج ۶، ص ۲۳ و ۲۴). جمال چهارپایان در وقت بازگشت به منزل آشکارتر است زیرا در این وقت با شکم‌های پر و پستانهایی مملو از شیر مراجعت می‌کنند به همین دلیل در آیه «تریحون» بازگشت شبانگاهی بر «تسرحون» که رهاشدن و روانه شدن صبحگاهی است، تقدّم یافته است. آیه کریمه علاوه بر جمال و ارائه آن، به کار و تلاش پرثمر تشویق می‌فرماید، کاری که همراه با زیبایی است و این زیبایی کشش ایجاد کرده و سختی کار را آسان می‌سازد، توجه به نعمت‌ها عشق به آفریدگار و جمال حقیقی را در انسان زنده کرده، روح بندگی آدمی را بیدار می‌سازد و همچنین آیه شریفه جمال را معرفی می‌کند که «جمال تحت امر چوپان عاقل بودن است نه رها و یله بودن، جمال در خدمت مردم بودن است نه فقط فکر سیر کردن شکم خود بودن، جمال جامعه در حرکت جمعی و تلاش است نه در رکود و خمود» (قرائتی، ۱۳۸۳ش، ج ۶، ص ۳۶۸).

ج) انسان و لباس زینتی

خالق هستی که انسان را به تمام معنی زیبا آفرید و علاوه بر لباس ساتر، لباس فاخر را برایش زینت قرار داد: «یا بنی آدم قد انزلنا علیکم لباساً یوارى سوءاتکم و ریشا» (الاعراف: ۲۶) ای فرزندان آدم در حقیقت ما برای شما لباسی فرو فرستادیم که عورت‌های شما را پوشیده می‌دارد و (برای شما) زینتی است. واژه «ریشا» در آیه شریفه به معنای لباس زینت، بیانگر آن است که خداوند متعال دو گونه لباس برای انسان‌ها مهیا کرده، لباسی ساتر که خود را بدان بیوشانند، از سرما و گرما و... حفظ کنند و لباسی فاخر که خود را به آن بیارایند، پس لباس آرایه انسان است و به وی زینت می‌بخشد و این نشان از اهمیت امر زینت در خلقت دارد.

زینت‌های باطنی

جمال معنوی

اما اینکه رفت جمال مادی بود، حال بنگریم جمال معنوی چیست. خواجه عبدالله انصاری در تفسیر کریمه «و لکم فیها جمال حین تریحون و حین تسرحون» می‌گوید: «قومی را در اموال بست و قومی را در احوال، فالاغنیاء یتجمّلون حین یریحون و حین یسرحون و الفقراء یشتغلون بمولاهم حین یصبحون و یروحون. توانگران کمال جمال خود در مال دانند و مال از دو بیرون نیست یا حلال است و یا حرام، اگر حلال است محنت است و اگر حرام است لعنت، و درویشان جاه و جمال خود در وصال مولی دانند و کمال انس خود در صحبت مولی بینند. رابعه عدویه را می‌آید که از قافله منقطع شد در آن بادیه حیرت سرگردان زیر مغیلانی فرو آمده و سر به زانوی حسرت نهاد، از هوای عزت ندایی شنید که: تستوحشین و انا معک. می‌ترسی در حالی که من همراه تو هستم. شب معراج هر چه در ثقلین جمال و مال بود فدای یک قدم سید ولد آدم گردانیدند به آن هیچ ننگریست، افتخارش به این بود که اشیع یوماً فاحمدک و أجوع یوماً فاشکرک» (مبیدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵، ص ۳۶۰) روزی را به سیری بگذرانم و حمد تو گویم و روزی گرسنه‌ام پس تو را شکر گزارم.

الف) ایمان

آدمی موجودی تک بعدی نیست و علاوه بر جسم دارای روح الهی است. باری تعالی پس از آفرینش زیبای جسم او به زینت و جمال روحی او نیز اهمیت داد و نعمتی بس بزرگ به او ارزانی داشت؛ زیبایی روح او را چنین قرار داد: «ولکن الله حَبیب الیکم الایمان و زینه فی قلوبکم» (حجرات: ۶) ایمان را محبوب آدمی قرار داد و آن را در دل‌های مؤمنان زینت گردانید. «خداوند تکویناً انسان را دوستدار فضائل و معارف آفریده است و او به معارف اعتقادی، بینش شهودی و فضائل اخلاقی گرایش دارد و آنها را می‌پذیرد. ذات اقدس الهی که سازنده و نوازنده این دستگاه است، انسان را هم عالم «فاله‌مها فجورها و تقویها» (الشمس: ۸) و هم عاشق کرده است «حَبیب الیکم الایمان» بد و خوب را به او فهمانده تا در بخش اندیشه صاحب فکر باشد و در بخش انگیزه نیز برای او محبوب گذارده و دل او را با محبوبش پیوند داده و قلب و جان وی را به زیبایی ایمان و توحید زینت کرده است. انسان بالفطره محب حقیقت است و شاید از راه چشم و گوش و سائر حواس طبیعی با بدآموزی‌ها به باطل گراید؛ ولی خداوند ایمان را محبوب انسان شناسانده و آن را زینت دل او قرار داده است» (جوادی آملی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۸۰).

در تفسیر شریف المیزان درباره این آیه چنین بیان شده: محبوب کردن ایمان در دل مؤمنین یعنی اینکه خدای تعالی ایمان را به زیوری آراسته، که دل‌های شما را به سوی خود جذب می‌کند، به طوری که دل‌های شما به آسانی از آن دست بر نمی‌دارد و از آن به سوی چیزهای دیگر رو نمی‌کند. این محبوب کردن ایمان و مجذوب کردن دل‌های مؤمنین در برابر آن، سبب رشدی می‌گردد که هر انسانی به فطرت خود در جستجوی آن است (طباطبایی، ۱۳۶۴ ش، ج ۳۶، ص ۱۸۱).

ب) عقل

انسان با دیگر مخلوقات فرق می‌کند، او اشرف موجودات و گل سر سبد آفرینش است پس زینت او نیز بایستی با دیگران متفاوت باشد. در حدیثی گهربار از امیرالمؤمنین [†] نقل شده: «و لا جمال ازین من العقل» (الکلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۸، ص ۱۸) هیچ زیبایی زینت‌بخش‌تر از عقل نیست. عقل زیبایی درون آدمی است و «حسن الصّوره جمال الظاهر وحسن العقل جمال الباطن» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۱، ص ۹۵) جمال ظاهری صورت نیکو داشتن است و جمال باطنی به عقل خوب داشتن است.

روش پرورش عقل

زیبایی ظاهر افراد به خوش‌چهرگی آنان است و کسی که خواهان زیبایی مادی است بایستی ظاهری آراسته داشته باشد و آن کس که جمال انسانی را طالب است باید عقل خویش را پروراند؛ به آب علم و دانش آن را رشد دهد. به سوی خوبی‌ها، نیت و میل باطنی خویشتن را بگرداند که: «حسن النیة جمال السرائر و حسن الصوره جمال الظاهر» (آمدی، ۱۳۶۶ ش، ص ۳۲۵) زیبایی درون انسان به داشتن نیت نیکو است و چهره زیبا داشتن همان جمال ظاهری است. پیوسته خواسته تو چیزی باشد که زیبایی و نیکی‌اش جاودان است: فلتکن مسئلتک فیما یبقی لک جماله و یفنی عنک وبالہ، والمال لا یبقی لک و لا تبقی له (محدث نوری، ۱۴۰۸ ق، ج ۵، ص ۱۷۴) باید چیزی را بخواهی که جمال (و سود و نیکی و خوشنامی) آن برای تو باقی بماند و وبال آن تو را نگیرد؛ ولیکن مال، نه آن برای تو می‌ماند و نه تو برای آن می‌مانی. مال و دارایی به دلیل فانی بودن و از دست رفتن شایستگی آن را ندارد که هدف انسان قرار گیرد آنچه خوبی‌اش می‌ماند و وزر و وبالش از تو دور می‌شود؛ همان باید همواره هدف تو باشد و برای رسیدن به چنین چیزی باید تلاش کنی؛ که همان علم و عقل و آراستگی باطن و روح است، خلق نیکو کسب کردن است.

انسان و جمال طلبی

حیات انسانی در فرهنگ قرآن حکیم غیر از زندگی گیاهی برخی است که خارج از قلمرو تغذیه، رشد جسمانی و تولید مثل هدفی ندارند و غیر از حیات حیوانی عده‌ای است که بیرون از منطقه خیال و وهم از لحاظ اندیشه و فراتر از محور شهوت و غضب از جهت انگیزه، خواسته‌ای ندارند. حیات انسانی، حیاتی الهی است که همراه ایمان به وحی و عمل کردن به دستورات آن است. کسانی که از حیات انسانی برخوردارند هیچ یک از ابعاد وجودی و خواسته‌ها و غرائز خود را معطل نمی‌گذارند و از جمله به میل زیبایی طلبی خویش در چهارچوب قوانین و دستورات خالق خویش پاسخ می‌دهند و آن را وسیله‌ای برای رسیدن به قرب الهی قرار می‌دهند. قال الصادق **†**: «الخلق الحسن جمال فی الدنیا و نزهة فی الآخرة و به کمال الدین و القربة الی الله تعالی» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۶۸، ص ۳۹۳) اگر خواهان زیبایی در دنیایی، خلق و خوی نیکو کسب کن که مایه کمال در دین است و تو را به خدا نزدیک می‌کند و خرّمی آخرت برایت ارمغان می‌آورد.

از حضرت امیر **†** نقل شده: قال رسول الله **^** الاتیان الی الجمعة زیارة و جمال، قیل یا امیرالمؤمنین و ما الجمال؟ قال ضوء (فضوا) الفریضة و تزاوراوا» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۸۶، ص ۱۹۷) جمال و زیبایی جوامع انسانی در سایه نورانیت نماز واجب و به‌جا آوردن نماز جمعه و دیدار یکدیگر به دست می‌آید.

هدفمندی در آراستن

زینت‌ها و تجملاتی که در اختیار انسان قرار گرفته از جمله تفضّلات الهی بر بندگانش است و عقل انسانی حکم بر قدردانی از نعمت‌ها می‌کند، استفاده درست و

بهینه از نعمت و اظهار بجای آن، شکر خالق گزاردن است. قرآن کریم در بعد تشریح به مسلمانان دستور می‌دهد خویش را بیارایند و بر جمال خویش بیفزایند: «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلّ مسجد» (الاعراف: ۳۱) ای فرزند آدم هرگاه به مسجد می‌روی خود را بیارای و زینت کن. هنگام عبادت و حضور در بارگاه ربوبی خویش را بیارایید و با ادب کامل، با لباسهای پاکیزه و نو، با ظاهری کاملاً آراسته و بوی خوش حاضر شوید نه با لباس چرکین و قیافه ژولیده و نامنظم؛ روایت شده امام حسن مجتبی [†] هرگاه به نماز حاضر می‌شد بهترین لباس‌های خود را می‌پوشید و می‌فرمود: خداوند متعال زیبا است و زیبایی را دوست می‌دارد. من برای خدایم خود را می‌آرایم. او می‌فرماید «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کلّ مسجد» دوست دارم که بهترین لباسم را بپوشم (طبرسی، فضل بن محمد، ج ۴، ص ۶۳۸).

بهترین پوشش‌ها و زیباترین لباس را برای بهترین مکان برگزینید. مسجد که پایگاه مسلمین است باید آراسته، زیبا و پر جاذبه باشد؛ یکی از جاذبه‌های آن حضور مؤمنانی آراسته در مسجد است. به گفته مفسران مقصود از زینت در آیه مذکور پوشیدن جامه خوب و آراستن با هر چیزی که موجب آراستگی و زینت انسان می‌شود مثل شانه زدن مو، عطر زدن و انگشتر در دست کردن می‌باشد (طیب، ۱۳۷۸ش، ج ۵، ص ۳۰۶ / حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ش، ج ۴، ص ۵۰ / ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۷۴ / طبرسی، فضل بن محمد، ج ۴، ص ۶۳۷). بنابراین مؤمنان برای شرکت در اجتماعات می‌باید ظاهری آراسته و مطلوب داشته باشند تا دیگران به مصاحبت و گفتگوی با ایشان تمایل داشته باشند و از این طریق بتوانند به ترویج هر چه بهتر آیین اسلام پردازند.

خودآرایی ممدوح

امام‌العارفین علی بن ابی‌طالب می‌فرمایند: افراد با تقوی در عبادت خاشع هستند و در عین فقر و حاجت متجمل می‌باشند. «التجمل من اخلاق المؤمنین» (آمدی، ۱۳۶۶ش،

ص ۳۰۷) هر چیز به جای خویش نیکوست؛ در عبادت باید خاشع بود و در نداری آراستگی ظاهر را باید حفظ کرد و خودآرایی داشت که «انّ الله جمیل و یحبّ الجمال و یحبّ ان یری اثر النعمه علی عبده» (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ج ۶، ص ۴۳۸) خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و همچنین دوست دارد اثر نعمت را بر بنده اش ببیند. چون فیض و خیر کثیر دائماً از ناحیه الهی به بندگان می‌رسد، خدای متعال کسی را که از نعمت‌ها بهره گیرد و آنها را برای خویش برگزیند دوست می‌دارد، او با این عمل ساده محبوب خدا می‌شود. زیرا این فرد آینه جمال الهی و فیض و نعمت او گردیده است. تزیین و آراستن خویش جاذبه جمال است و ایمان و تقوا آن را کامل کرده، ابعادش را وسیع می‌گرداند تا به سرچشمه اخلاص برسد.

وظیفه صاحب جمال

زیبایی و داشتن جمال یکی از نعمت‌های خدادادی محسوب می‌شود و زن‌ها در جواز بهره‌گیری از زینت‌ها با مردان تفاوتی ندارند، اما در نشان‌دادن زینت‌های خود به نامحرمان بایستی حدود الهی را رعایت کنند. زن صاحب جمال وظیفه دارد با عفت و خویشتن‌دار باشد و بداند اجر او نزد خدای متعال محفوظ است «من آتاه الله جمالاً و مالاً فعفّ فی جماله و بذل من ماله دخل الجنّة» (طبرسی، علی بن حسن، ۱۳۸۵ ق، ص ۱۷۲) هر آن کس که خدا به او زیبایی عطا کرد و مال داد، پس درباره جمالش خویشتن‌داری پیشه کرد (نعمت در معصیت به کار نبرد) و مال داده شد و (در راه خدا) بذل کرد، در بهشت داخل می‌شود.

زنان عاقل و دانایان زیبارو می‌دانند که زینت خویش بر هر کس و نا کس نباید آشکار کنند؛ زیرا قرآن کریم نشان‌دادن زینت زنان را جز برای همسرانشان و محارم آنها حرام دانسته و می‌فرماید: «ولا یبدین زینتهنّ الاّ لبعولتهنّ أو آبائهنّ أو آباء

بعولتهنّ أو أبناهنّ أو أبناء بعولتهنّ أو إخوانهنّ أو بنی إخوانهنّ أو بنی أخواتهنّ أو نسائهنّ أو ما ملکت أیمانهنّ أو التّابعین غیر اولی الاربه من الرّجال أو الطّفل الذّین لم یظهروا علی عورات النّساء...» (النور: ۳۱) و زینت و زیورهایشان را جز برای شوهرانشان یا پدرانشان یا پدران شوهرانشان یا پسرانشان یا پسران شوهرانشان یا برادرانشان یا پسر برادرانشان یا پسرخواهرانشان یا زنان هم‌کیش خود یا کنیزانشان یا خدمت‌کاران مرد که (از زن) بی‌نیازند یا کودکانی که بر عورت‌های زنان وقوف پیدا نکرده‌اند، آشکار نکنند. دربارهٔ این آیه با توجه به روایات، نظر اکثر مفسران و مجتهدان آن است که سر تا پای زن زینت است (بر خلاف مردان که از این زیبایی برخوردار نیستند) و فقط وجه و کفین از این امر استثناء گردیده‌است و نامحرم (بدون قصد لذّت) می‌تواند آنها را ببیند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۲۹، ص ۱۶۳).

در اینجا این سؤال به ذهن می‌رسد چرا به زنها دستور حجاب و پوشش داده شده و آنها از عرضه زیبایی خود به همه منع شده‌اند؟ پاسخ آن است که: زنان بر اساس گزینه دگرخواهی به ارائه زیبایی خود به دیگران، بیشتر از خود زیبایی، علاقه‌مندند؛ «علّت اینکه در اسلام دستور پوشش اختصاص به زنان یافته است، این است که میل زن به خودآرایی از حس شکارچی‌گری او ناشی می‌شود. در هیچ جای دنیا سابقه ندارد که مردان لباسهای بدن نما و آرایش‌های تند و تحریک‌کننده به کار برند. این زن است که به حکم طبیعت خاصّ خود می‌خواهد دلبری کند و مرد را دلباخته خویش کرده و در دام علاقه خود اسیر کند، انحراف تبرّج و برهنگی از انحرافات مخصوص زنان است و دستور پوشش هم برای آنان مقرر گردیده است» (مطهری، ۱۳۷۹ش، ص ۴۳۶) وجود این خصیصه در زنان به خودی خود و به عنوان یک میل طبیعی نه تنها ناپسند نیست، بلکه اگر در طریق صحیح مورد استفاده قرار گیرد مفید

نیز هست و امر لازمی در زندگی خانوادگی به شمار می‌آید، میل به خودآرایی نقش بسزایی در جذب و انجذاب زوجین و استحکام خانواده دارد. از این رو در دستورات اسلامی می‌بینیم که زن موظف است برای همسرش آرایش کرده، برای او تبرج و خودنمایی داشته باشد. ولی اگر زنی در مسیر باطل از این میل بهره گرفت و با اهداف غیر درست از آن استفاده کرد، آن گاه میل به خودآرایی، خواسته‌ای ناپسند است و ارزش منفی دارد.

قرآن کریم خطاب به زنها می‌فرماید «و لا تبرجن تبرج الجاهلیة الاولى» (الاحزاب: ۳۳) ای زنان در برابر نامحرمان ظاهر نشوید و خودنمایی نکنید مانند خودنمایی دوران جاهلیت نخستین. اسلام به آراستگی و زینت سفارش کرده ولی با فساد در جامعه و رفتار و کرداری که موجب ترویج فحشا و منکر در اجتماع شود، به شدت مخالف است تا جامعه مسلمانان جامعه‌ای بالنده و رو به رشد روزافزون باشد.

ابراز جمال در زنان

هر یک از مخلوقات الهی به نسبت توان و ظرفیت وجودیش به گونه‌ای که شایسته اوست جمالش را به نمایش می‌گذارد، خانم‌ها که گوهر دردانه آفرینش هستند چگونه باید این وجهه وجودیشان را نشان دهند؟ جمال ایشان در چیست؟

درباره جمال زنان گفته شده: «عقول النساء فی جمالهنّ و جمال الرجال فی عقولهم» (صدوق، ۱۳۶۲ش، ص ۲۲۸) علامه مجلسی در شرح این حدیث می‌نویسد: جمال، حُسن در خُلق و خلقت است؛ زیبایی چهره و زیبایی اخلاق و شاید مراد حضرت این باشد که عقل زن‌ها غالباً همراه با جمال و زیبایی ایشان است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۸۲) آیت‌الله جوادی آملی می‌فرماید: «معنای این حدیث، یا دستور

است یا وصف سازنده می‌باشد نه وصف قدح و نکوهش، یعنی زن موظف است و یا می‌تواند عقل و اندیشهٔ انسانی خویش را در ظرافت عاطفه، زیبایی گفتار و کیفیت محاوره و مناظره، نحوهٔ برخورد و حکایت و نظائر آن ارائه دهد؛ مثلاً زن باید بتواند قداست همسر حضرت ابراهیم ^T بودن و کیفیت برخورد با فرشتگان و نحوهٔ شنیدن بشارت مادرشدن و حالت تعجب و ابراز انفعال نمودن ظریفانه را که در آیات ۲۹ سوره مبارکه ذاریات و ۷۱ سوره مبارکه هود اشاره شده است، متجلی سازد. در صورتی که هرگز این ظرافت هنری که تمثیل عینی ظرافت عقلی است، میسور مردان هنرمند نیست... زن باید ظرائف حکمت را در ظرائف هنر ارائه دهد و این رهنمود، دستورالعملی برای او است و در صورت امتثال دستور، درخور ستایش شده و در صورت تمرد مستحق نکوهش می‌گردد» (جوادی آملی، ۱۳۷۶ش، ص ۱۸).

تزئین شیطانی

باید به یاد داشت که شیطان دشمن آشکار بشر نیز تزئین می‌کند «إذ زين لهم الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ» (الانفال: ۴۸) «زینت‌دادن شیطان اعمال آدمی را، به این است که به وسیله تهییج عواطف درونی مربوط به آن عمل، در دل آدمی القاء می‌کند که عمل بسیار خوبی است، و در نتیجه انسان از عمل خود لذت برده، قلباً آن را دوست می‌دارد و آن قدر قلب متوجه آن می‌شود که دیگر فرصتی برایش نمی‌ماند تا در عواقب وخیم و آثار سوء و شوم آن تعقلی کند.» (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۱۵۳) ابلیس زشت را زیبا جلوه می‌دهد تا بفریبد و پس از موفقیت در مرحله تزئین، با آرزوسازی برای رسیدن به زینت‌های شیطانی، کار را دنبال می‌کند و سوسهٔ اکید و پی‌درپی او فرد را به دنبال کردن آرزو وامی‌دارد، تا جایی که کارش به عصیان و

نافرمانی می‌کشد، ابلیس به بندمی‌کشد و می‌کشد، می‌فریبد و به خواری در آتش می‌افکند؛ پس باید هشیار بود و هیچ‌گاه تسلیم شیطان نشد. روایت است که «من مات علی حبّ آل محمّد مات شهیداً» (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۲۳، ص ۲۳۳) کسی که بر محبّت آل رسول بمیرد او شهید مرده است. زیرا چنین فردی هیچ‌گاه تسلیم شیطان نشده است و وسوسه‌شدنش تنها در مرحله تصور است که با رجم شیطان، آن وسوسه را پایان می‌دهد. پیامبر اکرم (ص) به یکی از همسران خود سفارش فرمود که این پرده زیبا را که در اتاق آویختی از برابر چشمان من دور کن، هرگاه بدان می‌نگرم به یاد دنیا و زینت‌های آن می‌افتم. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹) «این روش، (پرهیز از تجملات) نوعی جلوگیری از وسوسه شیطان است». (جوادی آملی، ۱۳۸۷ش، ج ۱۳، ص ۳۲۷) پس لازم است بر مراقبه خویش افزوده و به شدت از ابلیس، این دشمن قسم‌خورده حذر کرد.

آفت جمال

ای عزیز بدان هم‌چنان که گلها دچار آفت می‌شوند، جمال و زیبایی را نیز آفتی است؛ بهره‌مندی از انواع زینت‌ها، مال و ثروت، مرکب گران قیمت، خانه مجلل و لباس فاخر و... فی‌نفسه جایز است، اما اگر سبب تکبر و فخرفروشی و تجاوز به حقوق دیگران شود، ممنوع است و نابودکننده جمال و زیبایی است. داستان قارون در قرآن مجید سمبل کسی است که مال و ثروت دنیایی و بهره‌مندی از انواع زینت‌ها و تجملات سبب تکبر و خودبرتربینی و در نهایت هلاکتش گردید. وی از قوم بنی‌اسرائیل بود، روزی به وضعی خاص و با تمام تجملاتش و در حالی که زینت‌های خود را همراه داشت از خانه خارج شد «فخرج علی قومه فی زینته» (القصص: ۷۸). کلمه

«فی زینته» در آیه شریفه نشانگر آن است که خروج از منزل برای کارهای عادی و روزمره نبوده؛ بلکه برای خودنمایی و فخرفروشی بوده است. از جملاتی که مردم با دیدن او گفتند و آرزویی که کردند، پیدا است که با تمام تجملات و زینت‌هایی که در اختیار داشته، در اجتماع ظاهر شده و افراد ضعیف‌الایمان با دیدهٔ مادی و ظاهربین او را نگریستند، شیفته و مفتونش گشتند، او را فردی خوشبخت پنداشته و حسرت‌بار آرزو کردند ای کاش جای او بودند و مثل او این همه ثروت داشتند. نقل سرنوشت خفت‌بار قارون و فرورفتن وی در زمین آن هم در برابر چشمان بهت‌زده مردمی که تا چند لحظه پیش دل‌هایشان مالمال از آرزوی همانندی او گشته بود، درسی است که استفاده از زینت‌ها نباید برای خودنمایی یا عاملی برای انحراف اذهان عمومی مردم از معنویات و توجه آنها به مادیات باشد که این یکی از آفات جمال است و یکی دیگر از آن آفت‌ها دروغ‌گویی است «جاء عن ابی‌جعفر **†** قال: من کذب ذهب جماله» (کراجکی، ۱۳۹۴ق، ص ۵۰) کسی که دروغ گفت زیبایی‌اش از دست می‌رود، زیرا دروغ حقیقت ندارد اما بر اساس تجسم اعمال واقعیت زشتی دارد و این زشتی بر زیبایی ظاهری فرد دروغگو اثر سوء گذارده موجب ازبین‌رفتن زیبایی وی می‌گردد.

نتیجه

خداوند متعال به قدرت کامله و حکمت بالغهٔ خویش جمال و زیبایی را آفریده و در اختیار بندگانش قرار داده است و آن را زینت انسان‌ها خوانده است و کسانی را که بهره‌وری از زینت‌ها را بر خود حرام می‌کنند، نکوهش نموده است. بر آراستگی بجای افراد پاداش دنیوی و اخروی مقرر فرمود و از فرزندان آدم خواست که هنگام

عبادت و در محل اجتماع مسلمانان خود را بیارایند. این مهم در رفتار و گفتار معصومین ۵۰٪ نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و مورد سفارش ایشان است، آن حضرات علاوه بر اینکه خود فردی آراسته بودند، از فضائل و کمالات به نحو اتم برخوردار بوده، دیگران را به آراستگی، خوش خلقی، دیدار یکدیگر و عاقل بودن دعوت کرده‌اند و عقل را بهترین زینت انسان معرفی نموده‌اند. هر کس که از این نعمت خدادادی بهره‌ور گشته باید آن را به‌جا و درست به کار برد و بر زنان - که مظهر جمال در آفرینش‌اند - لازم است که عقل همراه با جمال خویش را ظهور داده، زینت‌های غیرظاهری خویش از نامحرمان بپوشانند و اندیشه الهی انسانی خود را با هنرمندی، تمثیل داده، در خور تحسین گشته و آئینه جمال الهی شوند و جاذبه‌های طبیعی خود را بجا ظاهر کنند. همچنین دانستیم که دروغ‌گویی، خودبرتربینی، تجاوز به حقوق دیگران و خودنمایی برای انحراف اذهان عمومی موجب تباهی و از بین رفتن جمال است. شیاطین که دشمن قسم خورده بشر هستند از این آفرینش الهی سوء استفاده کرده، زشت‌ها را زیبا جلوه می‌دهند تا به مقصد تباه و آلوده‌شان برسند و آدمی را به خذلان در آتش درافکنند، از تزئین آنها پرهیز باید کرد و باید به عزت‌قدس جمال الهی پناه برد.

منابع

- قرآن کریم.
- نهج البلاغه، ترجمه علی دشتی.

منابع فارسی

۱. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی؛ تفسیر روض الجنان و روح الجنان؛ تحقیق محمدجعفر یاحقی و محمد مهدی ناصح، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۷ق.
 ۲. بانوی اصفهانی، سیده نصرت امین؛ مخزن العرفان در تفسیر قرآن؛ تهران: نهضت زنان مسلمان، ۱۳۶۱ش.
 ۳. جوادی آملی، عبدالله؛ تسنیم؛ قم: اسراء، ۱۳۸۷ش.
 ۴. _____؛ زن در آیینه جمال و جلال؛ تهران: الزهراء، ۱۳۷۶ش.
 ۵. _____؛ تفسیر انسان به انسان؛ ج ۴، قم: اسراء، ۱۳۷۸ش.
 ۶. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد؛ تفسیر اثنی عشری؛ تهران: میقات، ۱۳۶۳ش.
 ۷. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه؛ تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۰ش.
 ۸. رشیدالدین میبیدی، احمد بن ابی سعد؛ کشف الاسرار و عدة الابرار؛ تحقیق علی اصغر حکمت، تهران: امیرکبیر، ج ۵، ۱۳۷۱ش.
 ۹. طیب، سید عبدالحسین؛ اطبیب البیان فی تفسیر القرآن؛ تهران: اسلام، ج ۲، ۱۳۷۸ش.
 ۱۰. قرائتی، محسن؛ تفسیر نور؛ تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۱۱، ۱۳۸۳ش.
 ۱۱. قرشی، سیدعلی اکبر؛ قاموس قرآن؛ تهران: دارالکتب الاسلامیه، [بی تا].
 ۱۲. مدرسی، سید محمد تقی؛ تفسیر هدایت؛ تهران: دار محبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
 ۱۳. مطهری، مرتضی؛ فطرت؛ تهران: صدرا، ۱۳۶۲ش.
 ۱۴. _____؛ نظام حقوقی زن در اسلام؛ تهران: صدرا، ۱۳۷۹ش.
 ۱۵. مفضل بن عمر؛ توحید مفضل؛ ترجمه محمدباقر مجلسی، تهران: آرام دل، ۱۳۸۵ش.
- مقاله: طاهری‌نیا، احمد، مقاله آرایش و آراستگی از دیدگاه اسلام، طهورا فصلنامه تخصصی مدرسه عالی شهیده بنت‌الهدی، سال ۱، ش ۱، بهار ۸۷.

منابع عربی

۱. آمدی، عبدالواحد؛ **غررالحکم و درالکلم**؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم: ۱۳۶۶ش.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ **المفردات فی غریب القرآن**؛ تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق، دارالعلم الدارالشامیه، ۱۴۱۲ق.
۳. صدوق، محمد بن علی؛ **امالی**؛ تهران: کتابخانه اسلامی، ج ۴، ۱۳۶۲ش.
۴. طباطبائی، سیدمحمدحسین؛ **المیزان فی تفسیر القرآن**؛ ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: ج ۵، ۱۴۱۷ق.
۵. طبرسی، علی بن حسن؛ **مشکاة الانوار فی غرر الاخبار**؛ نجف اشرف: کتابخانه حیدریه، ۱۳۸۵ق.
۶. طبرسی، فضل بن محمد؛ **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**؛ تهران: ناصر خسرو، ج ۳، ۱۳۷۲ش.
۷. کراچکی، شیخ ابوالفتوح؛ **معدن الجواهر و ریاضة الخواطر**؛ تهران: کتابخانه مرتضویه، ۱۳۹۴ق.
۸. کلینی رازی، محمد بن یعقوب؛ **الکافی**؛ ترجمه و شرح مصطفوی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ج ۴، ۱۳۶۵ش.
۹. مجلسی، محمدباقر؛ **بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمة الاطهار**؛ بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۴ق.
۱۰. محدث نوری، میرزا حسین؛ **مستدرک وسائل الشیعه**؛ قم: مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۸ق.
۱۱. مصطفوی، حسن؛ **التحقیق فی کلمات القرآن**؛ تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.